

تحلیل مبانی فقهی، حقوقی زورگیری *

** محمدباقر گرایلی (نویسنده مسئول)

*** محمد مهدی حکاک زاده یزدی

چکیده

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در تقنین قانون مجازات اسلامی جدید در سال ۱۳۹۲ به واسطه پیشگیری از تورم قوانین و یا هر دلیل دیگری تمایل چندانی به افزودن عناوین مجرمانه جدید نداشته است و به همین واسطه، زورگیری را به عنوان یک جرم مستقل جرم انگاری نکرده است؛ اما نظر به اینکه این عمل مجرمانه نباید بدون کیفر بماند، در این مقاله سعی شده ضمن بررسی ارکان جرم زورگیری و برشمردن وجوه افتراق و اشتراک آن با جرایم مشابه، نظیر سرقت‌های تعزیری (سرقت مقرون به آزار، سرقت به عنف، سرقت مشدد و ...) و اخاذی و محاربه، مبانی حقوقی آن تحلیل و بررسی گردد تا قضات محترم قادر باشند با لحاظ شرایط ارتکاب و مرتکب، زورگیری را بر یکی از عناوین مجرمانه موصوف، منطبق و مجرم را برآن اساس مجازات نمایند.

واژگان کلیدی: زورگیری، محاربه، اخاذی، سرقت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۸/۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۰/۱۵

** استادیار حقوق جامعه المصطفیٰ العالمیه مشهد مقدس / gerayeli1378@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم / yazdi1393@gmail.com

مقدمه

زورگیری یکی از مهمترین آسیب‌های امنیت اجتماعی در حوزه اموال و مالکیت است. این جرم که متأسفانه در سال‌های اخیر به علل خاص گسترش یافته و به دلیل خدشه‌دار نمودن امنیت و آسایش عمومی به نوعی اقتدار حکومتی را نیز زیر سؤال می‌برد، به عنوان خط قرمز سیستم پلیسی معرفی شده است و نیازمند تجزیه و تحلیل حقوقی است، زیرا در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به عنوان جرم مستقل از آن یاد نشده و بر همین اساس بعضی زورگیر را محارب و برخی آن را سارق قلمداد می‌نمایند.

قضات محترم هم در انطباق موضوع جرم با عناوین تقنین شده مشابه، دیدگاه‌های متفاوتی با یکدیگر دارند که این موضوع را می‌توان از تفاوت موجود در احکام صادره از دادگاه‌های مختلف در خصوص افراد زورگیر احساس نمود، زیرا برخی از قضات محترم زورگیر را به عنوان «محارب» محاکمه و محکوم به اعدام نموده و برخی وی را به عنوان «خاذه» محکوم به حبس می‌نمایند. برخی از این اعمال سلیق در صدور احکام و فواصل فاحش بین مجازات‌ها، موجب بروز مناقشات بین حقوقدانان در برخی از مجامع حقوقی شده است.

در راستای رفع ابهام‌های موجود و تحلیل مبانی حقوقی صحیح برای جرم زورگیری، ضرورت دارد تا ارکان این بزه اجتماعی با دیگر جرایم مشابه موجود نظیر محاربه، اخاذی و انواع سرقت تعزیری خاص مانند سرقت مشدد و مقرون به آزار، مقایسه و نتیجه‌گیری شود که زورگیری به کدام جرم نزدیک‌تر و تحت چه شرایطی می‌توان آن را بر کدام یک از جرایم مشابه منطبق و مرتکب را بر آن اساس محاکمه و مجازات نمود.

۱. مفاهیم

۱.۱. مفهوم جرم

جرم در لغت به معنای گناه، خطا(عمید، ۱۳۹۱: واژه جرم) بزه، تعدی، ذنب، عصیان و معصیت به کار می‌رود.(دهخدا، ۱۳۷۷: واژه جرم) همچنین به معنای قطع کردن یا چیدن میوه نارس از درخت نیز آمده است و بعد به هرگونه اکتساب و تحصیل امر نامشروع و زشت به کار رفته است. همچنین به معنای وادار کردن به کار ناپسند اطلاق می‌شود.(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۹)

۲.۱. مفهوم زورگیری

در قوانین جزایی مفاهیم و کلماتی با عناوین سرقت، کیف‌قاپی و دزدی وجود دارد، اما عنوان مجرمانه‌ای به نام «زورگیری» نداریم. مفهوم این کلمه در نظام حقوقی به «سرقه به عنف» یا سرقت همراه با آزار و اذیت اطلاق می‌شود. زورگیری به معنای به زور چیزی را از کسی گرفتن است و از دو واژه «زور» و «گیری» مصدر فعل گرفتن تشکیل شده است. زورگیری یعنی «به زور گرفتن» لیکن در فرهنگ لغت فارسی ترجمه و معنایی برای آن قید نشده است.

دکتر مجید ابهری^۱ درباره تعریف زورگیری می‌گوید:

زورگیری به معنای گرفتن مال و اموال دیگری بدون حق قانونی و با توسل به زور بوده و ممکن است برای رسیدن به اموال غیر قانونی زبان‌های جانی جبران‌ناپذیر و حتی مرگ برای افراد بی‌گناه به بار آورد. (سلامت نیوز، ۱۳۹۲)

۳.۱. مفهوم محاربه

محاربه به معنای «جنگیدن» و «محاربت» است. (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه محاربه) در لغت عرب «حربی» صفت نسبی به معنای جنگی، منسوب به حرب، جنگنده و رزمنده و در جایی به معنای کافر حربی آمده و «حارب» اسم فاعل به معنای جنگنده و رزمنده است.

در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی که بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه تدوین یافته، محاربه این‌گونه تعریف شده است:

محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد....

«محاربه» مصدر باب مفاعله است. همچنین «حارب» بر وزن فاعل از ریشه ثلاثی مجرد «حرب» است که با فتح حرف «ر» به معنای سل و غارت کردن دیگری و با سکون آن به معنای جنگیدن و نزاع (نقیض «سلم») و حروب جمع آن است.

راغب اصفهانی در تعریف حرب می‌گوید:

الحربُ معروفٌ و الحربُ السَّلْبُ فی الحرب. ثُمَّ قَدِيسَمَى كُلُّ سَلْبٍ حَرْبًا و قال: و الحربُ مُشْتَقَّةُ المعنى مِنَ الحَرْبِ و قد حُرِبَ فهو حَرِيبٌ ای سَلِيبٌ و التحْرِيبُ إِثْرَةٌ

۱. رفتارشناس اجتماعی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی.

الْحَرْبِ وَ رَجُلٌ مِحْرَبٌ كَأَنَّهُ آلَةٌ فِي الْحَرْبِ وَ الْحَرْبَةُ آلَةٌ لِلْحَرْبِ مَعْرُوفَةٌ وَ أَسْلُهُ الْفَعْلَةُ مِنَ الْحَرْبِ أَوْ مِنَ الْحَرَابِ وَ مُحْرَابُ الْمَسْجِدِ قِيلَ يَسْمَى بِذَلِكَ لِأَنَّهُ مَوْضِعُ مُحَارَبَةِ الشَّيْطَانِ وَ الْهَوَى وَ قِيلَ يَسْمَى بِذَلِكَ لِكَوْنِ حَقِّ الْإِنْسَانِ فِيهِ أَنْ يَكُونَ حَرْبِيًّا مِنْ إِشْغَالِ الدُّنْيَا وَ مِنْ تَوَزُّعِ الْخَوَاطِرِ... (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۳)

شیخ طوسی در «مبسوط» در پاسخ به این سؤال که منظور از محارب در آیه ۳۳ سوره مائده چیست، قول‌های مختلفی را نقل کرده و سرانجام بیان نموده است که مراد از آن از نظر فقهای اهل سنت، «قطاع الطريق» است و آن کسی است که سلاح بکشد و برای رهنزی در راه‌ها ایجاد خوف کند. در عین حال ایشان در کتاب «نهایه» تعریف مشهور فقهای امامیه را پذیرفته و فرموده است:

المحارب هو الذي يجرد السلاح و يكون من اهل الرية في مصرٍ كان او غير مصرٍ في بلاد الشرك كان او في بلاد الاسلام ليلاً كان او نهاراً فمتى فعل ذلك كان محارباً. (طوسی، ۱۳۸۷: ۷۴۱)

یعنی محارب کسی است که سلاح ظاهر کند و از اهل تهمت باشد، در شهر باشد یا در غیر آن، در بلاد اسلام باشد یا در بلاد کفر، در شب باشد یا در روز؛ پس هرگاه چنین کرد محارب است.

۱. ۴. مفهوم سرقت

واژه سرقت در لغت‌نامه به معنای ربودن به معنای رباییدن، چیزی را با تردستی و چابکی از جایی برداشتن و بردن، در بردن، دزدیدن و جذب کردن آمده است. (عمید، ۱۳۹۱: واژه سرقت)

سرقت، لفظی است عام برای دزدی، برداشتن و ربودن مال بدون رضایت صاحب مال و ربودن متقلبانه مال منقول متعلق به دیگری، خارج نمودن از تصرف او یا تصرف کسی که آن را نگهداری می‌کند بدون رضایت او، به قصد محروم کردن مالک از منافع آن و به خود اختصاص دادن آن برای استفاده شخصی یا به نفع رباینده. همچنین، ربودن یعنی برداشتن مال دیگری به طور پنهانی و بدون اجازه یا حق قانونی؛ برداشتن متقلبانه چیزی. (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۵۷)

۱. ۵. مفهوم اخاذی

اخاذی به معنای زورگیری، باج‌گیری، اخذ مال یا چیزی به زور و تهدید از دیگری می‌باشد. (معین، ۱۳۸۳: واژه اخاذی) همچنین اخاذی به معنای گرفتن پول، مال، سند و غیره از مردم با جبر و تهدید می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۹۵)

۲. ارکان جرم زورگیری

معمولاً وقتی جرمی اتفاق می‌افتد دارای ارکان متفاوتی است که از آن به عنوان ارکان قانونی، مادی و روانی نام می‌بریم. هر یک از این عناصر، حسب مورد در جرایم خاص خود شکل می‌گیرد که نتیجه هر یک از این عناصر بستگی به نوع جرم دارد. از این نظر ممکن است با تحقق هر سه عنصر، جرم خاصی شکل گیرد یا این که با احراز یک یا دو عنصر، جرم واقع شود. بنابراین برای احراز جرایم به صورت کلی ضرورت ندارد تا حتماً هر سه عنصر جمع شود تا جرم به معنای واقعی خود انجام گردد.

بر این اساس هر عنصر و رکن مورد بحث برای ارتکاب جرم از یک شرایط خاصی برخوردار است که به منظور شناخت هرچه بهتر جرم زورگیری به بررسی ارکان این جرم می‌پردازیم.

۲. ۱. رکن قانونی

رکن قانونی یعنی این که باید قانونی وجود داشته باشد تا عملی را جرم اعلام کند و نوع و میزان مجازات آن را نیز تعیین نماید، مثلاً در قانون کنونی «توهین» آمده (ماده ۶۰۸ ق.م.ا) و برای آن مجازات تعیین شده، ولی برای «غیبت» عنصر قانونی برای محکوم کردن وجود ندارد، پس توهین جرم بوده ولی غیبت کردن جرم نیست و مجازاتی هم ندارد، چون قانونی برای آن نوشته نشده است.

یکی از موضوعات جامعه امروز که سبب ایجاد ناامنی در اجتماع شده، زورگیری است. این عنوان مجرمانه در قوانین جزایی کشور، خصوصاً قانون مجازات اسلامی فاقد جرم‌انگاری صریح تحت عنوان «زورگیری» است. به همین دلیل ناچار از تطبیق فعل زورگیر بر دیگر عناوین مجرمانه و مواد قانونی مرتبط با آنها هستیم. بدین ترتیب مواد قانونی که قابلیت تطبیق فعل زورگیری با آنها وجود دارد عبارت‌اند از مواد: ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۵۲، ۶۵۶ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی که از میان دیگر قوانین، نزدیک‌ترین مواد قانونی تشریح‌کننده عنصر قانونی جرم زورگیری است.

۲.۲. رکن مادی

وقتی جرمی اتفاق می‌افتد باید در راستای تحقق آن اقدام و رفتاری توسط مجرم انجام شده باشد، مثلاً سارق با تهیه کلید و یا شکستن قفل منزل یا مغازه‌ای اقدام به سرقت اموال موجود در محل مذکور می‌نماید.

بر این اساس باید در راستای زورگیری فعلی رخ دهد تا عنصر مادی زورگیری محقق شود. رکن مادی این بزه، تنها با رفتار مادی مثبت قابل تحقق بوده و در هیچ حال با ترک فعل محقق نمی‌شود.

این رفتار عبارت است از اخذ یا ستاندن اموال قربانی با تهدید، ترساندن و زور که این تهدید و ترساندن می‌تواند به وسیله سلاح سرد یا گرم و یا قدرت بدنی یا ضرب و شتم و یا هر وسیله دیگری باشد.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا ربودن نیز می‌تواند به عنوان رفتار مادی در زورگیری مد نظر قرار گیرد؟ در پاسخ باید گفت ربودن دارای دو فرض می‌باشد: در فرض اول اگر مخفیانه بودن را در ربودن مستتر بدانیم چون ربودن معمولاً به صورت پنهانی و یا با سرگرم کردن شخص مالباخته اتفاق می‌افتد، اما زورگیری همراه با تهدید و ترساندن و با استفاده از قدرت بدنی و به صورت آشکار صورت می‌پذیرد. دیگر این که ربودن جایگاهی در اخذ و ستاندن اموال بزه دیده نداشته و نمی‌توان آن را به عنوان رفتار مادی زورگیری مطرح نمود. در فرض دوم چنانچه مخفیانه بودن را ملازمه ربودن ندانیم (مطابق قانون مجازات جدید) در این حالت چون اموال قربانی به هر طریق از قبیل ستاندن (به زور گرفتن)، اخذ کردن (واگذار کردن توسط مالک) برداشتن و... در اختیار زورگیر قرار گیرد، زورگیر به واسطه هراسی که از حضور مردم و مأمورین دارد بلافاصله با اموال مذکور متواری شده و ضمن ترک محل، اموال موصوف را از مالکیت قربانی خارج می‌نماید، لذا می‌توان در زورگیری منجر به اخذ مال، ربودن را به عنوان رفتار مادی فرض نمود و بر همین اساس است که گاهی می‌توان زورگیری را بر برخی از سرقت‌های تعزیری خاص منطبق و بر آن اساس زورگیر را محاکمه نمود.

۳.۲. رکن روانی

عنصر روانی زورگیری شامل دو بخش می‌باشد: سوء نیت عام که همان اراده زورگیر برای ارتکاب جرم می‌باشد و سوء نیت خاص که اراده زورگیر بر اخذ اموال بزه دیده با توسل به زور و تهدید است. حال در این میان ممکن است انگیزه نیز دخیل در موضوع باشد که جدای از سوء نیت و خارج از بحث ما می‌باشد.

۳. تطبیق زورگیری بر دیگر عناوین مجرمانه

نظر به این که کلمه‌ای با عنوان «زورگیری» از لحاظ حقوقی در قوانین کیفری ایران وجود ندارد و این کلمه در عرف رایج بوده و به معنای اخذ مال دیگران با توسل به خشونت است، طی مرور و بررسی صورت گرفته، در قانون مجازات اسلامی جدید، ماده قانونی مستقلی برای زورگیری جرم انگاری نشده و به نوعی می‌توان گفت زورگیری فاقد عنصر قانونی بوده و انطباق آن بر دیگر عناوین مجرمانه بستگی به نظر قاضی پرونده دارد. لذا به منظور بررسی امکان مجازات زورگیر تحت دیگر عناوین مجرمانه، در ادامه به تطبیق عناصر زورگیری بر چند جرم دیگر می‌پردازیم.

۳.۱. زورگیری و سرقت

سرقت یکی از جرایمی است که توسط قانونگذار مورد پیش بینی قرار گرفته و برای حصول آن شرایطی در قانون در نظر گرفته شده است. یکی از مشکلات عمده و مهم قانون مجازات اسلامی سابق در مورد جرم سرقت، در قانون جدید مصوب سال ۱۳۹۲ حل شده است.

در ماده ۱۹۷ قانون سابق اعلام شده بود که سرقت عبارت است از «ربودن مال دیگری به طور پنهانی» و ذکر قید «پنهانی» در متن قانون، قضات و حقوقدانان را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده بود، زیرا این تعریف، کیف‌قایی، سرقت به عنف مقرون به آزار و سرقت مسلحانه آشکار و بالطبع زورگیری را در بر نمی‌گرفت. قانون جدید مجازات اسلامی این اشکال را برطرف نموده است.

در ماده ۲۶۷ قانون جدید در تعریف جرم سرقت بیان کرده است: «سرقت ربودن مال متعلق به غیر است». در راستای تطبیق زورگیری بر سرقت، به بررسی عناصر متشکله دو جرم می‌پردازیم.

۳.۱.۱. عنصر مادی زورگیری و سرقت

برای بررسی امکان انطباق زورگیری بر سرقت، از آنجا که عنصر مادی سرقت حدی و تعزیری با هم متفاوت است، لذا عنصر مادی سرقت حدی و تعزیری را به طور جداگانه با عنصر مادی زورگیری مقایسه و سپس در خصوص امکان یا عدم امکان انطباق آنها برهم نتیجه‌گیری می‌نماییم.

۳. ۱. ۱. ۱. مقایسه عنصر مادی زورگیری و سرقت حدی

عنصر مادی زورگیری عبارت است از اخذ یا ستاندن اموال افراد دیگر با تهدید، ترساندن و زور که این تهدید و ترساندن می‌تواند به وسیله سلاح سرد یا گرم و یا قدرت بدنی یا ضرب و شتم و یا هر وسیله دیگری باشد. همچنین به نظر می‌رسد در زورگیری صرفاً مالیت شیء مد نظر نیست که بتوان فقط به عنوان سرقت به آن نگاه کرد، بلکه نوعی اقدام (تهدید و ترساندن) به عنوان عنصر مادی اصلی این جرم مطرح می‌باشد؛ بنابراین چنانچه تهدید و ترساندن و آزار باشد، اما به هر دلیل اخذ مال صورت نگیرد، بازهم عنصر مادی زورگیری محقق شده است.

عنصر مادی در سرقت حدی شامل اقدامات سارق در سال غیر قحطی در هتک مخفیانه حرز، استخراج مالی که شرعاً مالیت داشته و جزو اموال دولتی و عمومی و وقف عام یا جهات عامه و مسروقه و مغضوب نبوده و حداقل چهار و نیم نخود طلای مسکوک ارزش دارد به صورت پنهانی از حرز است که این موارد که در بندهای مندرج در ذیل ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز آمده و به شرح ذیل می‌باشد:

الف) ربودن چیزی که شرعاً ارزش مالی داشته باشد.

ب) برای تحقق عنصر مادی در سرقت حدی باید حرز مال مسروق توسط سارق شکسته شود، یعنی سارق به تنهایی و یا با شراکت دیگری به طور مخفیانه هتک حرز کرده باشد، در غیر این صورت اگر او هیچ شرکتی در عملیات اجرایی هتک حرز نداشته باشد، حتی در صورت خارج کردن مال از حرز، عنصر مادی محقق نشده و وی را نمی‌توان به سرقت مستوجب حد محکوم کرد.

ج) یکی دیگر از شرایط تحقق عنصر مادی در سرقت‌های حدی آن است که مال مسروقه توسط سارق از حرز خارج و ربوده شود، بنابراین هرگاه دو نفر هتک حرز کرده و یکی از آنها مالی را از حرز بیرون آورد، عنصر مادی توسط نفر دوم محقق شده و حد تنها بر دومی قابل اجرا خواهد بود. (شهید اول، ۱۳۸۷: ۲۴۱) چنانچه مال را شخص دیگری از حرز خارج نموده و سارق آن را بریابد، در اینجا نیز به واسطه فقدان عنصر مادی، سرقت حدی تحقق نمی‌یابد.

د) هتک حرز و ربایش به صورت مخفیانه و به دور از چشم مالک از دیگر شروط تحقق عنصر مادی در سرقت حدی می‌باشد، یعنی اگر هتک حرز و یا ربایش آشکار و در انظار انجام شود، دیگر عنوان سرقت حدی بر آن اطلاق نمی‌گردد.

ه) برای این که عمل ربایش، تحت عنوان عنصر مادی سرقت حدی لحاظ گردد باید مال مورد سرقت، حداقل به اندازه چهار و نیم نخود طلای مسکوک ارزش داشته باشد، لذا ربایش اموال کمتر از آن به واسطه فقدان عنصر مادی، نمی‌تواند مبنای سرقت حدی قرار گیرد. به نظر اکثر فقه‌های شیعه، حداقل ارزش مال مسروق باید معادل ۴/۵ نخود یا ربع دینار طلای خالص باشد. (فیض، مهذب، ۱۳۸۷: ۲۵۴)

و) در صورتی عمل ربایش عنصر مادی سرقت حدی تلقی می‌گردد که مال مسروقه از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه نباشد.

ز) چنانچه سارق اموال مسروقه و یا غصب شده‌ای را برباید در این صورت نیز عنصر مادی سرقت حدی محقق نگردیده است.

دیگر شروط مطروحه در خصوص سرقت حدی در عنصر مادی این جرم دخیل نمی‌باشد. به هر حال با مقایسه عنصر مادی در زورگیری و سرقت حدی می‌توان این گونه نتیجه گرفت که هر چند ممکن است بندهای هفتگانه فوق به غیر از بند (د) قابل انطباق بر عنصر مادی زورگیری باشد، لیکن با توجه به این که زورگیری، یک جرم کاملاً آشکار می‌باشد و طبق بند (د) برای تحقق عنصر مادی در سرقت حدی باید هتک حرز و ربایش به صورت مخفیانه باشد و از طرفی در عنصر مادی زورگیری، اصل بر آزار و اذیت و ترساندن و تهدید بوده که این موارد در عنصر مادی سرقت حدی جایگاهی ندارد، لذا تحت هیچ شرایطی نمی‌توان بر زورگیر تحت عنوان سارق، حد سرقت جاری نمود.

۳. ۱. ۱. مقایسه عنصر مادی زورگیری و سرقت تعزیری

عنصر مادی زورگیری در بند قبل ذکر گردید، اما عنصر مادی در سرقت تعزیری بر اساس نوع سرقت مذکور متفاوت و نتایج حاصل از انطباق آن بر زورگیری نیز مختلف می‌باشد که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

الف) سرقت مشدد: ماده ۶۵۱ «قانون تعزیرات» مصوب سال ۱۳۷۵ اشعار می‌دارد

هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد، ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد، مرتکب به حبس از پنج سال تا بیست سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.

۱. سرقت در شب واقع شده باشد؛

۲. سارقین دو نفر یا بیشتر باشند؛

۳. یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند؛

۴. از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا این که عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است، سرقت کرده باشند؛

۵. در ضمن سرقت، کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

همان طور که از ماده فوق استنباط می‌گردد، در عنصر مادی سرقت تعزیری مشدد، رفتار مادی با توجه به بند ۴ و ۵ علاوه بر ربودن، می‌تواند ستاندن (به زور گرفتن) نیز باشد، زیرا در شرط آخر در خصوص تهدید و آزار سخن به میان آمده که نتیجه آن تهدید و آزار و ستاندن اموال است و شرایط و اوضاع و احوال آن نیز عبارت است از این که سارقین که حداقل دو نفر و یکی از آنها مسلح است، شبانه از دیوار منزل کسی بالا رفته یا هتک حرز نموده و یا با سوء استفاده از عناوین ماموردولت و... اقدام به آزار و تهدید بزه دیده و سپس سرقت اموال وی نمایند. یعنی قانونگذار در سرقت مادون حد، جمیع شرایط مشدده شامل سرقت مسلحانه گروهی در شب که منجر به تهدید و آزار شده را در نظر گرفته تا سارق را به بالاترین حد حبس محکوم نماید.

به عنوان مثال، چنانچه شخص «الف» به اتفاق هم‌دست خود که مسلح به سلاح سرد یا گرم می‌باشد و لباس مأمور نیروی انتظامی را به تن نموده در یکی از محله‌های خلوت و تاریک جلوی شخص «ب» را گرفته و با اعمال زور و تهدید، ضمن ترساندن وی اموال مشارالیه را به زور از وی ستانده و از محل متواری گردد، در فرض فوق، عنصر مادی زورگیری مشابه عنصر مادی سرقت مشدد می‌باشد. حال چنانچه زورگیری فاقد یکی از شرایط فوق باشد، مثلاً زورگیری در ساعات خلوتی ظهر واقع شده و یا به تنهایی صورت پذیرد و یا عنوان مسلح بر بزهکار صدق نکند، دیگر نمی‌توان عنصر مادی این زورگیری را بر سرقت مشدد منطبق دانست.

ب) سرقت مسلحانه گروهی در شب: به موجب ماده ۶۵۴ «قانون تعزیرات»،

مصوب سال ۱۳۷۵:

هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد، در صورتی که بر حامل سلاح عنوان محارب صدق نکند، جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از پنج تا پانزده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه می‌باشد.

در این ماده قانونگذار نوک پیکان مجازات را متوجه گروه سارقان مسلحی نموده که در حین سرقت موجب آزار و اذیت و تهدید نمی‌شوند، لذا برای تحقق عنصر مادی در این جرم باید سرقت (ربودن اموال دیگران) در شب، یعنی بین غروب آفتاب تا طلوع صبح و به وسیله دو یا چند نفر که حداقل یکی از آنان مسلح به سلاح ظاهری یا مخفی باشد ارتکاب یابد، با آنکه سرقت مسلحانه در شب اصولاً موجب سلب امنیت مردم می‌شود و به محاربه می‌انجامد و در باب تعزیرات هم از علل مشدده کیفر محسوب می‌شود و طبق روایتی از امام باقر که فرمود: «مَنْ حَمَلَ أَسْلَاحَ بِاللَّيْلِ فَهُوَ مَحَارِبٌ إِلَّا أَنْ لَا يَكُونُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الرِّيَّةِ؛ هر کس شب اسلحه حمل کند، محارب است، مگر آنکه آدم مظنون و شروری نباشد» (حرعاملی، ۱۱۰۴ق: ۵۳۷) هر چند قصد اخافه نداشته و یا اسلحه بر نکشد. با این همه در اصل سرقت مسلحانه که با شرایطی به عنوان محاربه مطرح می‌شوند، تفاوتی میان شب و روز وجود ندارد. بنابراین، شب بودن می‌تواند محقق عنوان یا مشدد کیفر باشد، اما موجب انحصار عنوان نخواهد بود.

در مقایسه جرم فوق با زورگیری چنانچه رفتار مادی و اوضاع و احوال وقوع زورگیری به گونه‌ای باشد که زورگیری در شب حادث شود و افراد زورگیر حداقل دو نفر و یکی از آنها سلاح (سرد یا گرم) به همراه داشته باشد و زورگیری نیز منتج به ربودن اموال بزه دیده گردد، علیرغم این که در زورگیری اخذ مال به زور اتفاق افتاده و مؤلفه‌ای مضاف بر شرایط سرقت مسلحانه دارد لیکن عنصر مادی زورگیری قابلیت انطباق بر عنصر مادی سرقت مسلحانه گروهی در شب را دارد.

حال چنانچه زورگیری به صورت انفرادی بوده یا در روز واقع و یا منجر به اخذ مال نگردد، دیگر از شمول این عنوان مجرمانه خارج می‌گردد. با وجود این برای تبیین بهتر موضوع مثال ذیل را بررسی می‌نماییم: چنانچه شخص «الف» به اتفاق چند تن از همدستان خود که چاقو در دست دارند و یا این که قمه را در لباس خود مخفی نموده‌اند در شب تاریک و در خیابانی خلوت جلوی شخص «ب» را گرفته و ضمن تهدید، به وی می‌گویند چه چیز با ارزشی همراه خود دارد و شخص «ب» که ترس وجودش را فرا گرفته، گوسی همراه مدرن و پیشرفته خود را به آنها نشان داده که در این لحظه یکی از افراد زورگیر گوسی مذکور را از دست وی گرفته و متواری می‌شوند.

در اینجا می‌توان نتیجه گرفت عنصر مادی سرقت مسلحانه گروهی در شب با تمام شرایط و اوضاع و احوال، حادث گردیده و اعمال افراد زورگیر منطبق بر این نوع سرقت تعزیری می‌باشد، اما چنانچه همین اقدام شخص «الف» در شب به تنهایی انجام شود و یا در روز به صورت گروهی صورت پذیرد و یا افراد زورگیر مسلح نبوده و

زورگیری با استفاده از قدرت بدنی و یا یک شیء بُرنده نظیر شیشه شکسته که عنوان سلاح بر آن صدق نکند، صورت پذیرد بواسطه افتراق در عنصر مادی دیگر از شمول این ماده خارج است.

ج) سرقت مقرون به آزار: همان طور که از ماده ۶۵۲ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵ بر می آید:

هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می گردد.

در این ماده که مجازات آن نسبت به سرقت مشدد خفیفتر است، هدف مقابله با آزار و اذیت در حین سرقت بوده که به نوعی مسلح بودن سارق را نیز مساوی آزار و اذیت تلقی نموده است. لذا عنصر مادی (رفتار و اوضاع و احوال) در سرقت مقرون به آزار عبارت‌اند از: ربایش مال، آزار و اذیت بزه دیده یا حمل سلاح که منظور از آزار هر نوعی صدمه‌ای است که سارق در ضمن سرقت به منظور موفقیت در ربودن مال نسبت به شخص یا اشخاصی که در صحنه ارتکاب سرقت حاضرند، اعمال می‌نماید، اگرچه فاقد آثاری در جسم صاحب مال یا کسان وی باشد. مانند آن که سارق دست صاحب مال را ببندد یا صورت او را بپوشاند تا شناخته نشود یا دهان مالباخته را بگیرد تا بتواند به راحتی مال موجود در دست یا در جیب یا منزل او را به سرقت ببرد که چنین رفتارهایی موجب تشدید مجازات شده است.

لازم به ذکر است صدمات بعد از خارج کردن مال مسروق از محل سرقت و متأخر بر ابعاد زمانی و مکانی وقوع سرقت، موجب تشدید کیفر نشده و از شمول ضوابط سرقت مقرون به آزار خارج است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۳۵۴)

در مقایسه عنصر مادی زورگیری و سرقت مقرون به آزار می‌توان گفت در سرقت مقرون به آزار نیز چون سارق با مالباخته روبه‌رو شده و با توجه به تهدید و آزار موجود معمولاً اموال وی را می‌ستانند، لذا عمل ربودن به ستاندن تعبیر می‌گردد. حال چنانچه زورگیری که قطعاً با اذیت و آزار نیز همراه است، منجر به ستاندن اموال بزه دیده گردد، می‌توان نتیجه گرفت که در این فرض عنصر مادی زورگیری مشابه عنصر مادی سرقت مقرون به آزار می‌باشد. لیکن چنانچه زورگیری منجر به اخذ اموال نگردد و فقط تهدید و ترساندن در آن محقق شود، چون شاکله سرقت ربودن اموال است و در این زورگیری ربودن یا ستاندن رخ نداده، لذا دیگر نمی‌توان عنصر مادی آنها را بر هم تطبیق داد، زیرا هر چند در عنصر مادی سرقت مقرون به آزار، حمل سلاح و آزار و

اذیت نیز آورده شده، لیکن محور اصلی در سرقت مقرون به آزار، عمل ربایش و ربودن مال غیر بوده که در صورت عدم تحقق، سرقت رخ نداده است. لذا در مواردی که در زورگیری اخذ مال صورت نگیرد، امکان انطباق زورگیری بر سرقت مقرون به آزار وجود نخواهد داشت.

د) سرقت مقرون به یکی از شرایط مذکور در قانون: قانونگذار در صدر ماده ۶۵۶ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵ اشعار می‌دارد:

در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

۱. سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر این‌ها واقع شده باشد.

۲. سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد.

۳. در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.

۴. سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۵. سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آنجا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد.

۶. هرگاه اداره‌کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و به طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است، تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.

با توجه به متن قانون که در بالا مرور کردیم در این نوع سرقت که در زمره سرقت‌های تعزیری خاص قرار دارد، عنصر مادی ربودن مال غیر به انضمام یکی از شرایط فوق می‌باشد که در بررسی امکان انطباق آن بر زورگیری باید ادعان نمود چون این نوع سرقت بدون آزار و اذیت بوده لیکن رکن اصلی زورگیری اذیت و آزار است، لذا محاکمه زورگیر تحت این عنوان نوعی تخفیف مجازات مجرم و اجحاف در حق بزه دیده (فرد و جامعه) بوده و به نظر می‌رسد امکان این انطباق وجود نداشته باشد.

ه) سرقت ساده: قانونگذار در ماده ۶۶۱ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵ تحت عنوان مجازات سرقت ساده اشعار می‌دارد: «در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد، مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود»، لذا عنصر مادی در این نوع عمل مجرمانه، فقط ربودن مال متعلق به غیر، فارغ از دیگر شرایط تشدید کننده می‌باشد که ربودن نیز به ربودنی غیر از شرط مندرج در ذیل سرقت حدی اطلاق می‌گردد؛ پس با توجه به عنصر مادی زورگیری که اصل بر تهدید و آزار بزه دیده و متعاقب آن اخذ مال است، امکان انطباق زورگیری بر سرقت ساده نیز وجود ندارد، زیرا عمل زورگیر همیشه با تهدید و ترساندن همراه بوده و چنانچه اخذ مال نیز صورت گیرد، میزان مجازات مندرج در ماده ۶۶۱ «قانون تعزیرات»، خفیف و متناسب با عمل زورگیر نبوده و در محاکمه وی، مجازات متناسب با تهدید و ترساندن لحاظ نمی‌گردد. اگر به واسطه نبودن اموال به همراه بزه دیده، اصلاً اخذ مال صورت نگیرد که دیگر نمی‌توان تحت عنوان سارق وی را محاکمه نمود. علی‌هذا با توجه به موارد مطروحه فوق در مجموع به نظر می‌رسد به توان زورگیری را بر برخی از انواع سرقت‌های تعزیری خاص منطبق نمود.

۳. ۱. ۲. عنصر معنوی زورگیری و سرقت

عنصر معنوی (روانی) زورگیری به دو بخش سوء نیت عام و خاص قابل تقسیم می‌باشد که سوء نیت عام همان اراده زورگیر برای ارتکاب جرم زورگیری بوده و سوء نیت خاص نیز قصد اخذ اموال قربانی با اعمال زور و تهدید می‌باشد. هرچند که عمل اخذ محقق نشود، لطمه‌ای به زورگیری وارد نمی‌سازد، زیرا همان طور که در عنصر مادی بحث کردیم زورگیری جرمی مطلق بوده و جرایم مطلق فارغ از قید تحقق نتیجه می‌باشند. پس چنانچه زورگیر به هر دلیل موفق به اخذ اموال بزه دیده نشود باز هم به واسطه اعمال زور و تهدید و ارباب ایجاد شده، زورگیری محقق می‌شود.

علاوه بر این موارد، باید اعمال خشونت از سوی بزهکار که نشانگر تجری بیش از حد وی برای اخذ مال متعلق به دیگری است از روی عمد و اراده و برای انجام زورگیری باشد، لذا چنانچه فرد زورگیر نابالغ باشد و یا در حال مستی اقدام به زورگیری نماید، عمل او فاقد عنصر روانی بوده و بزهکار قابل مجازات نمی‌باشد، زیرا فرد نابالغ و مست نمی‌تواند قصد (سوء نیت) داشته باشد.

در خصوص عنصر معنوی سرقت می‌توان گفت: اراده ارتکاب جرم با همه شرایط آن سوء نیت عام را تشکیل می‌دهد و وجود عاملی از عوامل زایل کننده اراده، مانند جنون، خواب، صغرسن، مستی و اجبار مانع محقق شدن سرقت می‌شود.

علیرغم سوء نیت عام، برای تحقق سرقت باید سوء نیت خاص که همان قصد بردن مال یا خارج کردن آن از تصرف مالباخته و تملک آن است نیز وجود داشته باشد. از طرفی چون سرقت، جرمی مقید است، لذا باید علیرغم «قصد ربودن»، ربودن مال نیز محقق شود تا بتوان به عنوان یک جرم تام، سارق را محاکمه نمود، لیکن نظر به این که شروع به جرم سرقت نیز جرم است، چنانچه اقدام سارق منتج به ربودن مال نیز نشود می‌توان مرتکب را به عنوان شروع به جرم، طبق ماده ۶۵۵ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ مجازات نمود. یکی از شرایط دیگر که برای تحقق عنصر روانی سرقت لازم می‌باشد، علم سارق به تعلق مال به غیر است. یعنی همان طور که تعلق مال به غیر عنصر مشترک رکن مادی کلیه جرایم علیه اموال است، علم به تعلق مال به غیر در حین انجام عمل نیز عنصر مشترک رکن معنوی کلیه جرایم علیه اموال می‌باشد و اگر مرتکب به گمان این که مال ربوده شده متعلق به خودش می‌باشد، اقدام به ربودن آن کرده باشد، اینجا عنصر معنوی دچار خدشه شده و مسئولیت کیفری شخص را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

همچنین در سرقت‌های حدی برای تحقق عنصر روانی باید مرتکب به حرمت عمل ارتكابی علم داشته باشد. قانونگذار در بند ۵ ماده ۱۹۸ ق.م.ا. قدیم اشعار می‌دارد: «سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن مال حرام است.» (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۹۵)

در قانون مجازات جدید این موضوع در ماده ۲۱۷ به این صورت آمده است:

در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.

همچنین ربودن مال دیگری به قصد شوخی یا استفاده موقت و نیز ارتکاب سرقت در اثر اضطراب و اکراه مانع مسئولیت کیفری می‌باشد، مشروط بر این که شرایط مقرر در قانون برای تحقق اضطراب و اکراه موجود باشد. لذا با توجه به توضیحات فوق می‌توان نتیجه گرفت که عنصر روانی هر دو جرم (زورگیری و سرقت) در سوء نیت عام یعنی اراده ارتکاب جرم، برهم منطبق هستند، لیکن چنانچه سوء نیت خاص سرقت را ربودن مال غیر و سوء نیت خاص زورگیری را اخذ مال بزه دیده تلقی کنیم بر هم منطبق نیستند. اگر سوء نیت خاص در هر دو جرم را خارج کردن مال از مالکیت مالک آن تلقی کنیم بر هم منطبق بوده که به نظر می‌رسد مورد اخیر به واقعیت نزدیک‌تر باشد،

چرا که در برخی سرقت‌ها نظیر سرقت مقرون به آزار و سرقت به عنف نیز اخذ مال مطرح است نه ربودن مال؛ پس می‌توان عنصر معنوی این دو جرم را نیز برهم منطبق دانست.

۲.۳. زورگیری و محاربه

در قوانین جزایی سابق ایران، جرم محاربه به نحو مستقل تعریف نشده بود، بلکه از طریق تعریف محارب و برشمردن خصوصیات وی تعریف شده بود. با تصویب قانون مجازات جدید در سال ۱۳۹۲ در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی «محاربه» به این شکل تعریف شده است:

محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.

بر اساس اصول حقوق کیفری، وقوع هر جرم نیازمند تحقق سه عنصر قانونی، مادی و معنوی جرم است. به عبارت ساده، به لحاظ حقوقی، جرم زمانی واقع می‌شود که اولاً فعل یا ترک فعلی در مغایرت با قانون صورت گرفته باشد و ثانیاً مرتکب آن فعل، قصد و نیت تحقق امری را متعاقب ارتکاب عمل مجرمانه داشته باشد.

در خصوص محاربه علاوه بر وجود سوء نیت عام، یعنی عمد در کشیدن سلاح (تجریدالسلاح)، قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم، برای تحقق این جرم ضرورت دارد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۸)

عبدالقادر عوده درخصوص محاربه می‌گوید: «حاربه خروج برای اخذ مال است بر سبیل مغالبه و قهر و غلبه. پس رکن اساسی حاربه، خروج برای اخذ مال، خواه مالی را ببرد، خواه نبرد.» به نظر ایشان حاربه در حالات زیر نیز تحقق پیدا می‌کند:

۱. وقتی که خروج به طور قهر و غلبه برای اخذ مال صورت گیرد و موجب خوف شود، هر چند مالی اخذ نگردد و کسی هم کشته نشود؛
۲. وقتی که خروج به طور قهر و غلبه برای اخذ مال واقع شود و مالی اخذ شود، ولی کسی کشته نشود؛

۳. وقتی خروج به طور قهر و غلبه برای اخذ مال صورت گیرد و کسی کشته شود، اما مالی اخذ نگردد؛

۴. وقتی خروج به طور قهر و غلبه برای اخذ مال واقع گردد و هم کسی کشته شود و هم مالی برده شود.

اما اگر خروج به قصد اخذ مال بر سبیل مغالبه تحقق یابد، اما ایجاد خوف در راه نکند و مالی هم اخذ نگردد و کسی هم کشته نشود، فاعل، محارب نیست، بلکه عملش معصیت قابل تعزیر است. خروج به غیر قصد بردن مال، حربه نیست و لو منجر به جرح و قتل شود و خروج برای اخذ مال بر غیر سبیل مغالبه نیز حربه نیست، بلکه اختلاس است. (عوده، ۱۴۰۳ ق: ۶۳۸)

به این ترتیب از نظر «عوده» مادام که خروج به قصد گرفتن مال و به طریق قهر و غلبه نباشد، موجب تحقق «حربه» نیست و پذیرفتن این معنا منجر به آن شده که او «حربه» را سرقت کبری بنامد، لذا برای تحقق «حربه» از نظر ایشان، اخذ مال غیر که از عناصر اساسی سرقت محسوب می‌شود، شرط است، در حالی که بر اساس نظر مشهور امامیه در تحقق محاربه، بردن مال غیر شرط نیست و محاربه بدون تعرض به اموال و ناموس دیگران هم قابل تحقق است که قانون مجازات اسلامی نیز از آن پیروی می‌نماید.

لذا برای بررسی امکان محاکمه و مجازات زورگیر تحت عنوان محارب ابتدا باید عناصر تشکیل دهنده دو جرم (زورگیری و محاربه) را بررسی و سپس در خصوص امکان یا عدم امکان انطباق این دو عنوان برهم نظریه لازم را ارائه نمود.

۳. ۲. ۱. عنصر مادی زورگیری و محاربه

همان طور که عنوان شد عنصر مادی زورگیری عبارت است از اخذ یا ستاندن اموال افراد دیگر با تهدید، ترساندن و زور که این تهدید و ترساندن می‌تواند به وسیله سلاح سرد یا گرم و یا قدرت بدنی یا ضرب و شتم باشد که نوع اقدام (تهدید و ترساندن) به عنوان عنصر مادی اصلی این جرم مطرح می‌باشد؛ پس چنانچه تهدید و ترساندن و آزار باشد، لیکن به هر دلیل اخذ مال صورت نگیرد، باز هم عنصر مادی زورگیری محقق شده است، زیرا زورگیری جرم مطلق بوده و تحقق آن مقید به نتیجه (اخذ مال بزه دیده) نمی‌باشد.

در خصوص عنصر مادی محاربه، قانونگذار در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «محاربه عبارت است از کشیدن سلاح ...». همچنین از

نظر فقهی، شیخ طوسی در «مبسوط» در پاسخ به این سؤال که منظور از «محارب» در آیه ۳۳ مائده چیست، قول‌های مختلفی را نقل کرده است و سرانجام بیان نموده که مراد از آن از نظر فقهای اهل سنت «قطاع الطريق» یعنی آن کسی است که سلاح بکشد و برای راهزنی در راه‌ها ایجاد خوف کند. (طوسی، ۱۳۹۳: ۴۷) در عین حال ایشان در کتاب «نهایه» تعریف مشهور فقهای امامیه را پذیرفته و فرموده است:

المحارب هو الذی یجرد السلاح و یکون من اهل الریبه، فی مصر کان او غیر مصر فی بلاد الشرك کان او فی بلاد الاسلام لیلاً کان او نهراً فَمَتَى فَعَلَ ذَلک کان محارباً؛ محارب کسی است که سلاح ظاهر کند و از اهل تهمت باشد، در شهر باشد یا در غیر آن، در بلاد اسلام باشد یا در بلاد کفر، در شب باشد یا در روز، پس هرگاه چنین کرد محارب است. (طوسی، ۱۳۸۷: ۷۴۱)

عنصر مادی جرم محاربه همان طور که در ماده ۲۷۹ ق.م.ا بیان شده، «دست بردن به اسلحه» است و به این معنا نیست که با اسلحه به طرف کسی نشانه گرفته شود، بلکه به نظر می‌رسد همین که اسلحه را حمل کند و همچنین وجود آن نزد محارب، دست بردن به اسلحه محسوب می‌گردد، لذا دست بردن به اسلحه عنصر مادی محاربه بوده و جرم محاربه تنها از طریق فعل مادی مثبت قابل تحقق است و آن هم فعل مادی که در قالب عمل باشد، بنابراین فعل منفی و گفتار را نمی‌توان عنصر مادی این جرم دانست.

۳.۲.۲. عنصر معنوی زورگیری و محاربه

در خصوص عنصر معنوی زورگیری قبلاً سخن رانیدیم و گفتیم عنصر معنوی (روانی) زورگیری به دو بخش سوء نیت عام و خاص قابل تقسیم بوده که سوء نیت عام همان اراده زورگیر برای ارتکاب جرم زورگیری و سوء نیت خاص نیز قصد اخذ مال با اعمال زور و تهدید مالباخته می‌باشد. چنانچه عمل اخذ نیز محقق نشود، لطمه‌ای به زورگیری وارد نمی‌سازد، زیرا همان طور که در عنصر مادی بحث کردیم، زورگیری جرم مطلق بوده و جرایم مطلق فارغ از قید تحقق نتیجه می‌باشند؛ پس چنانچه زورگیر به هر دلیل موفق به اخذ اموال بزه دیده نشود، باز هم به واسطه اعمال زور و تهدید و ارباب ایجاد شده، زورگیری محقق می‌شود. علاوه بر این موارد، باید اعمال خشونت از سوی بزهکار که نشانگر تجری بیش از حد وی برای اخذ مال متعلق به دیگری است از روی عمد و اراده و برای انجام زورگیری باشد. لذا چنانچه فرد زورگیر نابالغ باشد و یا در حال مستی

اقدام به زورگیری نماید عمل او فاقد عنصر روانی بوده و بزهکار قابل مجازات نمی‌باشد، زیرا فرد نابالغ و مست نمی‌تواند قصد (سوء نیت) داشته باشند.

عنصر معنوی محاربه نیز مانند دیگر جرایم بر دو بخش استوار می‌باشد سوء نیت عام یعنی این که مرتکب، «کشیدن سلاح» را به عنوان عنصر مادی جرم، از روی اراده انجام دهد. در غیر این صورت جرم محاربه محقق نمی‌شود.

در تبیین نقش قصد، به برخی از روایات و کلمات فقها اشاره می‌کنیم. در روایتی امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر شخص (مظنون و شرور) شبانه حامل سلاح باشد هر چند سلاح برنکشد و قصد اخافه هم نداشته باشد. محارب است، مگر آنکه مظنون و شرور (اهل ریه) نباشد. (حرعاملی، ۱۰۴: ق: ۵۳۷) همچنین شهید ثانی در تعریف محارب عنوان نموده است: «هر کس اسلحه را از غلاف بیرون آورد و مردم بر اثر عمل او بترسند، محارب است؛ خواه قصد اخافه داشته باشد یا نه». (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳۶۲)

با این همه، عده‌ای با تأکید بر قصد مرتکب تصریح کرده‌اند:

قصد اخافه و ترساندن مردم هم لازم و هم کافی است، به این معنا که تا شخص قصد اخافه نکند، محارب نخواهد بود و وقتی قصد اخافه نمود، هر چند نتیجه‌ای حاصل نشود و هیچ کس از عمل او نترسد، محارب خواهد بود. (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ق: ۲۳۲)

صاحب «جواهر» ضمن تأکید بر لزوم قصد ارباب و اخافه در تحقق محاربه، در توجیه روایت قبلی اظهار داشته است: «روایت نمی‌خواهد بگوید شخص با حمل سلاح در شب محارب است، حتی اگر قصد نداشته باشد، بلکه این روایت با ارایه معیار می‌گوید اگر قصد شخص منکر ارباب بود، نفس حمل سلاح در شب توسط انسان شرور دلیل بر وجود قصد است، اما او می‌تواند خلاف آن را ثابت کند. (نجفی، ۱۳۶۳: ۵۶۴) اما قانونگذار ناامنی محیط را پس از کشیدن سلاح به قصد ارباب مردم، شرط تحقق محاربه دانسته است.

سوء نیت خاص عبارت از قصد تحصیل نتیجه مجرمانه است. نتیجه جرم همان گونه که در مبحث رکن مادی عنوان شد عبارت است از تعرض به جان، مال، یا ناموس مردم یا ارباب آنها توأم با ناامنی در محیط. این جرم در زمره جرایمی است که از حیث رکن مادی و معنوی مقید به حصول نتیجه مجرمانه است. با تفاسیر فوق می‌توان گفت چنانچه زورگیری به وسیله سلاح (سرد یا گرم) صورت پذیرد و موجب ناامنی جامعه و ارباب مردم گردد، قابل انطباق بر محاربه می‌باشد.

۳.۳. زورگیری و اخاذی

یکی از جرایم مهم ضد شخصیت معنوی و در مواقعی اموال افراد، تهدید و اخاذی است. در این خصوص ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی موضوع جرم تهدید و اخاذی را پیش بینی نموده و می‌گوید:

هرگاه کسی، دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سرّی نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه یا انجام امر یا ترک فعلی را نموده و یا نموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

برای بررسی امکان انطباق این دو جرم بر یکدیگر به بررسی عناصر متشکله آنها می‌پردازیم.

۳.۳.۱. عنصر مادی زورگیری و اخاذی

از نظر حقوق کیفری ایران با توجه به اصل برائت، مجرد قصد و اندیشه مجرمانه و همچنین تهیه مقدمات و وسایل ارتکاب جرم جز در موارد منصوص در قانون، جرم نیست، بلکه برای تحقق هر جرمی لازم است که مرتکب با انجام عملیات اجرایی جرم، قصد مجرمانه و نیت سوء خود را نسبت به موضوع جرم از قوه به فعل درآورده و عملیات اجرایی جرم را به اتمام برساند و یا این که اقداماتی را که شروع به اجرای آن کرده به عللی که خارج از اراده اوست، معلق و یا ناتمام رها کند تا قابل تعقیب و مجازات شناخته شود.

در مباحث قبل ذکر گردید که عنصر مادی زورگیری عبارت است از اخذ یا ستاندن اموال افراد دیگر به زور تهدید و ترساندن که این تهدید و ترساندن می‌تواند به وسیله سلاح سرد یا گرم و یا قدرت بدنی یا ضرب و شتم باشد که در زورگیری تهدید معمولاً جسمی بوده و تهدید حیثیتی از باب افشای سرّ و... جایگاهی ندارد.

در خصوص عنصر مادی اخاذی باید گفت که رکن اصلی جرم اخاذی ایجاد الزام و اکراه در مخاطب به تسلیم مال یا انجام فعل یا ترک فعل مد نظر اخاذ بوده و مهم این است که موارد درخواستی بدون رضایت مجنی‌علیه صورت گیرد. البته نباید تصور کرد که هرگونه تسلیم مال بدون رضایت داخل در اخاذی است، بلکه منظور آن است که در این نوع جرم مخاطب از ترس اعمال تهدید توسط تهدیدکننده، مال خود را تحویل داده یا فعل مد نظر وی را انجام یا ترک می‌نماید.

در خصوص عنصر مادی اخاذی باید تصریح نمود که جرم الزاماً با زور و تهدید در زمان اخذ مال تحقق می‌یابد و بدون اعمال زور، امکان تحقق این جرم وجود ندارد. تحقق جرم اخاذی در تهدید مرتکب به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشاء سر است. تهدید مزبور ممکن است به صورت شفاهی یا کتبی یا با وسایل دیگر باشد. آثار تهدید و ایجاد تشویش و نگرانی بر مجنی‌علیه، حسب تأثیر پذیری و شخصیت افراد و عرف محیط متفاوت بوده و تشخیص آن با دادگاه است.

در جرم اخاذی و باجگیری موضوع ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات، تهدید باید مقید و مشروط به یکی از موارد مذکور در ماده مذکور به نحوی باشد که طرف تهدید شونده را بترساند.

برای تحقق جرم موضوع این ماده باید تهدید، یعنی ترساندن طرف مقابل به هر آنچه که برای وی زینبار یا ناخوشایند است، انجام شود. این تهدید، بنا به تصریح ماده، باید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سرّی نسبت به شخص یا بستگان او باشد. هرگاه ضرر بنا به قضاوت عرف، کوچک و قابل اغماض باشد، این جرم محقق نمی‌شود. (ولیدی، ۱۳۷۵: ۲۳۹) هرگاه تقاضای وجه یا انجام کاری و یا حتی ترک عملی با تهدید همراه شود، جرم اخاذی محقق می‌شود و گرنه بدون این تقاضا تهدید صرف خواهد بود و نمی‌توان بر آن نام اخاذی نهاد. گاهی اتفاق می‌افتد که کسی از دیگری طلبی دارد و از هیچ راهی موفق به اخذ آن نمی‌شود، چنانچه این فرد از راه تهدید، مال خود را اخذ نماید با توجه به اطلاق ماده ۶۶۹، مشمول جرم اخاذی خواهد شد. همچنان که رأی شماره ۱۳۱۶/۳/۲۹-۱۳۱۶/۶۸۲-۸۴۳۱/۶۸۲ از سوی دیوان عالی کشور مؤید این کلام است. در این رأی، دعوی طلب و مطالبه حق همراه با تهدید، به علت امتناع را مصداق اخاذی دانسته است. (زراعت، ۱۳۸۲: ۱۳۵)

لذا با توجه به مباحث مطروحه فوق و این که عنصر مادی زورگیری اخذ اموال با اعمال تهدید و آزار و اذیت است، پس اگر زورگیری منجر به اخذ مال بشود چون این اخذ مال در پی تهدید حادث گردیده، لذا می‌توان زورگیر را تحت عنوان مجرمانه اخاذی و براساس ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ محاکمه و مجازات نمود، لیکن اگر زورگیری منجر به اخذ مال نگردد دیگر نمی‌توان زورگیر را اخاذ تلقی نمود.

۳.۲. عنصر روانی زورگیری و اخاذی

همان طور که در بخش سابق از نظر گذشت، عنصر معنوی (روانی) زورگیری به دو بخش سوء نیت عام و خاص قابل تقسیم می‌باشد که سوء نیت عام همان اراده زورگیر

برای ارتکاب جرم زورگیری و سوء نیت خاص نیز قصد اخذ مال با اعمال زور و تهدید مالباخته می‌باشد. هرچند که عمل اخذ محقق نشود، لطمه‌ای به زورگیری وارد نمی‌سازد، زیرا همان طور که در عنصر مادی بحث کردیم، زورگیری جرمی مطلق بوده و جرایم مطلق فارغ از قید تحقق نتیجه می‌باشند. به نظر می‌رسد ملازمه‌ای بین مطلق و مقید بودن و سوء نیت خاص هم وجود نداشته باشد، پس چنانچه زورگیر به هر دلیل موفق به اخذ اموال بزه دیده نشود باز هم به واسطه اعمال زور و تهدید و ارباب ایجاد شده، زورگیری محقق می‌شود. بنابراین چنانچه فرد زورگیر نابالغ بوده و یا درحال مستی اقدام به زورگیری نماید، عمل او فاقد عنصر روانی بوده و بزهکار قابل مجازات نیست، زیرا فرد نابالغ و مست نمی‌تواند قصد(سوء نیت) داشته باشد.

اخاذی نیز از جرایم عمدی بوده و همچون سایر جرایم عمدی باید با آگاهی و اراده همراه باشد. عنصر روانی اخاذی نیز از دو بخش سوء نیت عام و سوء نیت خاص تشکیل شده که در سوء نیت عام مجرم یا همان فرد اخاذ، اراده ارتکاب جرم را می‌نماید. این بدان معناست که یک فرد مجنون یا نابالغ که اراده‌ای ندارد نمی‌تواند سوء نیت عام در زمینه ارتکاب جرم داشته باشد و بالطبع آن نمی‌تواند مرتکب جرم اخاذی شود.

در بخش سوء نیت خاص نیز مرتکب قصد تهدید بزه دیده به قتل و ضررهای نفسی و شرفی و مالی و... می‌نماید. همچنین باید گفت تحقق عنصر روانی این جرم، مقید به تحصیل منفعت مادی نامشروع از ناحیه تهدید کننده عالم و آگاه به تهدید نیست. (ولیدی، ۱۳۷۵: ۲۴۰) لذا می‌توان نتیجه گرفت که این دو جرم قابل انطباق بر یکدیگر می‌باشند.

۴. نتایج و یافته‌ها

در این مقاله با توجه به مباحث و تحقیقات صورت گرفته به این نتیجه رسیدیم که زورگیری هرچند فاقد عنصر قانونی مستقل می‌باشد، لیکن از آنجا که فرد زورگیر نباید بدون کیفر بماند، بر اساس شرایط و اوضاع و احوال حدوث زورگیری می‌توان آن را بر یکی از جرایم مشابه نظیر محاربه، سرقت تعزیری و اخاذی منطبق و بر آن اساس زورگیر را محاکمه و مجازات نمود که در راستای انطباق آن بر سرقت می‌توان نتیجه گرفت که چون مخفیانه بودن عمل ربودن به عنوان یکی از ارکان اصلی تحقق سرقت حدی مطرح ولی در زورگیری اولاً عمل ربودن بدان معنا قابل طرح نبوده و از سوی دیگر زورگیری به صورت آشکار و در دیدگاه بزه دیده صورت می‌گیرد، لذا محکومیت

زورگیر تحت عنوان سارق حدی طبق شرایط مندرج در ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ممکن نیست.

در خصوص سرقت‌های تعزیری می‌توان گفت که زورگیری چنانچه عنوان محارب پیدانکند، بر برخی از سرقت‌های تعزیری نظیر سرقت مشدد، سرقت مقرون به آزار و... قابل انطباق بوده و بر برخی دیگر نظیر سرقت تعزیری ساده و... غیرقابل انطباق است، زیرا در عنصر مادی سرقت ساده فقط بحث ربودن مال غیر مطرح بوده و تهدید و ارباب جایگاهی ندارد. این درحالی است که عنصر مادی زورگیری مشتمل بر تهدید و ارباب بوده و حتی چنانچه منجر به اخذ مال هم نشود باز جرم زورگیری محقق است و اگر ارباب و تهدید در کار نباشد دیگر اخذ مال، موضوعیت نداشته و ربودن جایگزین آن می‌شود که در این صورت از مبحث زورگیری خارج و در زمره سرقت محض قرار می‌گیرد.

به هر حال زورگیری را می‌توان با لحاظ شرایط مندرج در قانون، بر برخی از سرقت‌های تعزیری خاص، نظیر سرقت مشدد، سرقت مقرون به آزار، سرقت مسلحانه گروهی در شب، سرقت مقرون به یکی از شرایط مذکور در قانون و... منطبق و بر این اساس زورگیر را طبق مواد ۶۵۴، ۶۵۲، ۶۵۱، ۶۵۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ محاکمه و مجازات نمود.

پیرامون انطباق زورگیری بر محاربه به این نتیجه رسیدیم که با توجه به اهمیت امنیت در سطح اجتماع، قانونگذار سلب این موهبه الهی را یکی از شروط تحقق جرم محاربه قرار داده است، پس هرگاه زورگیری موجب ناامنی محیط گردد می‌توان عمل زورگیر را از مصادق محاربه دانسته و زورگیر را تحت عنوان محارب محاکمه و مجازات نمود؛ اما در مواردی که زورگیری موجب ناامنی محیط نگردد، قابلیت انطباق آن بر محاربه وجود ندارد.

در خصوص انطباق آن بر اخذی نیز هرگاه زورگیری منجر به اخذ مال گردد و شرایط و اوضاع و احوال نیز به گونه‌ای باشد که نتوان زورگیر را بر اساس عناصر قانونی شدیدتر نظیر محاربه و سرقت‌های تعزیری و... محاکمه نمود، می‌توان زورگیری را بر اخذی منطبق و مجرم را طبق ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، محاکمه و مجازات نمود، لیکن اگر زورگیری منجر به اخذ مال نشود و قابل انطباق بر جرایم پیش گفته نیز نباشد، می‌توان تحت عنوان تهدید محض زورگیر را طبق ماده ۶۶۹ ق.م.ا محاکمه نمود.

۵. کاربرد نتایج در دنیای واقعی

نتایج حاصله از این مقاله می‌تواند در محکومیت افراد زورگیر مورد بهره‌برداری قضات محترم در سیستم قضایی قرار گیرد تا احکام صادره موجب بروز برخی مناقشات در مجامع حقوقی نگردد. همچنین دانش پژوهان می‌توانند در زمینه‌های ذیل که به نوعی با موضوع این مقاله در ارتباط است به پژوهش بپردازند:

۱. تحلیل عوامل مؤثر در نقصان مسئولیت کیفری زورگیر؛

۲. بررسی راهکار اساسی برای پیشگیری از زورگیری در سطح اجتماع.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ✓ جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، *ترمینولوژی حقوق*، ج ۱، ج ۱، انتشارات گنج دانش، تهران.
- ✓ حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۸۹)، *سرقه در حقوق کیفری ایران* (و مطالعه تطبیقی)، ج ۲، انتشارات دادگستر، تهران.
- ✓ دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، ج ۲، دانشگاه تهران، تهران.
- ✓ زراعت، عباس (۱۳۸۲)، *شرح قانون مجازات اسلامی*، ج ۳، ج ۱، انتشارات ققنوس، تهران.
- ✓ عمید، حسن (۱۳۹۱)، *فرهنگ فارسی عمید*، ج ۲، انتشارات اشجع، تهران.
- ✓ فیض، علیرضا و مهذب، علی (۱۳۸۷)، *ترجمه کتاب لمعه*، ج ۲، انتشارات دانشگاه، تهران.
- ✓ معین، محمد (۱۳۸۳)، *فرهنگ معین*، ج ۱، نشر مزدک، تهران.
- ✓ میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، ج ۲۱، نشر میزان، تهران.
- ✓ _____ (۱۳۹۲)، *جرایم علیه اموال و مالکیت*، ج ۳۶، نشر میزان، تهران.
- ✓ ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۳)، *حقوق جزای اختصاصی*، ج ۲، ج ۳، انتشارات امیرکبیر، تهران.

ب) منابع عربی

- ✓ راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: محمد سیدگیلانی، انتشارات مرتضوی، تهران.
- ✓ شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۳۸۷)، *اللمعة الدمشقیه*، ج ۲، ج ۳۶، انتشارات دارالفکر، قم.

- ✓ شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی (۱۴۱۰)، *الروضه البهیة*، ج ۲، انتشارات داوری، قم.
- ✓ شیخ حر العاملی، محمدحسن (۱۱۰۴)، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، اهل‌البيت (ع)، قم.
- ✓ شیخ طوسی، محمدحسن (۱۴۰۸)، *النهایه*، ج ۲، انتشارات وابسته به جامعه مدرسین، قم.
- ✓ طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷) *المبسوط*، ج ۸، المكتبة المرتضوية لاحیاء آثار الجعفریة، تهران.
- ✓ عوده، عبدالقادر (۱۴۰۳)، *التشريع الجنائی الاسلامی*، ج ۲، انتشارات بعثت، تهران.
- ✓ گلیایگانی، محمد رضا (۱۴۱۲)، *در المنصود فی الکلام الحدود*، ج ۳، ج ۲، دارالقرآن الکریم، قم.
- ✓ النجفی، محمدحسن (۱۳۶۳)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴۱، ج ۲، دارالمکتب الاسلامیه، تهران.

ج) منابع اینترنتی

- ✓ سلامت نیوز / 1392 / 86881 / <http://www.salamatnews.com/news/>